

The British influence on the military, intellectual and political approaches of the jungle movement

Panahi, Abbas 

¹.Associate Professor, Institute of Guilin Studies, University of Guilin, Iran.Email:apanahi@guilan.ac.ir

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 31March2021

Received in revised form:

21JUNE2021

Accepted: 1JULY

Published online:

۲۳□□□□□□□□۲۰۲۱

Keywords:

Jungle Movement,
England,
Bolsheviks,
Kuchak Khan.

ABSTRACT

Although the Jungles aimed their arrows at the Russians, the British had a much greater influence on the movement. The British military forced the Jungles to accept peace after inflicting heavy casualties. Subsequently, with the diminishing role of the Islamic Unity Board, the ground was prepared for the separation of some right-wing figures of the movement, such as Haj Ahmad and Dr. Heshmat, from this movement. They were provided by government forces more than before. Given this issue, the question arises, what measures did the British take to pave the way for the intellectual, political and military weakness of the jungle movement? The findings show that in addition to securing their interests in Iran, Guilan and the Caucasus, the British, in addition to securing their interests in Iran, Guilan and the Caucasus, were one of the factors contributing to the failure and downfall of the movement. The research method in the present article is based on a historical, documentary approach and a descriptive-analytical study.

Cite this article: Panahi, Abbas., & Last Name, Initial. (2022). Title of paper. *The British influence on the military, intellectual and political approaches of the jungle movement*, Vol.15No29.Pages131-160. DOI: 10.22111/JHR.2021.37968.3104



© The Author(s). Abbas Panahi

Publisher: University of Sistan and Baluchestan

DOI: 10.22111/JHR.2021.37968.3104

تأثیر انگلستان بر رویکردهای نظامی، فکری و سیاسی جنبش جنگل عباس پناهی^۱

۱. دانشیار تاریخ پژوهشکده گیلان شناسی دانشگاه گیلان، گیلان، ایران: apanahi@guilan.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	در بین نیروهای داخلی و خارجی مؤثر بر جنبش جنگل، انگلیسی‌ها نقش مهمی در این جنبش داشتند. انگلیسی‌ها تا پیش از انقلاب بلشویکی روسیه در گیلان حضوری مستقیم نداشته و جنگلی‌ها تنها با روس‌ها در حال نبرد بودند. اما پس از وقوع انقلاب بلشویکی، مساله قفقاز، پیشروی ترک‌ها و بلشویک‌ها در دریای کاسپین موجب شد تا نیروی نظامی بریتانیا خلأ نیروهای نظامی روسیه را در گیلان برطرف کنند. انگلیسی‌ها در دو مرحله موجب ازهم‌گسیختگی جنگلی‌ها شدند. نخست در «نبرد منجیل» موجب از هم پاشیده شدن انسجام نظامی جنبش جنگل شدند، سپس در «قرارداد ترک‌مخامصه» موجب ازهم‌گسیختگی ساختار فکری، ایدئولوژیک و انسجام درونی جنگلی‌ها شدند. فشار انگلستان و نیروهای دولتی از یک‌سو و احساس بیهودگی مبارزه موجب شد تا جناح محافظه‌کار جنبش نظیر؛ دکتر حشمت و حاج احمد کسمایی از ادامه نبرد ناامید شوند، در چنین التهایی، جنگلی‌ها با گرایش به بلشویک‌ها و چرخش ایدئولوژیک، آینده جنبش را در مسیر دیگری قراردادند. این دگرگونی‌ها بهانه‌های خوبی برای سرکوب جنگلی‌ها توسط نیروهای دولتی را فراهم آورد. پس‌ازاین رویدادها، جنبش ناخواسته در مسیری گام نهاد که در راستای منافع انگلیسی‌ها بود. انگلیسی‌ها در گیلان نخست با ایجاد فرصت برای تبلیغات کمونیست‌های ایرانی و روسی زمینه‌آزادگی مردم از جنگلی‌ها شدند. سپس وثوق‌الدوله علاوه برافزایش فشار سیاسی، با حمایت نیروی قزاق عرصه فعالیت را بر جنگلی‌ها تنگ نمود. پرسش نوشتار حاضر بر این نکته قرار دارد، انگلیسی‌ها در نتیجه اتخاذ چه تدابیری زمینه‌های ضعف فکری، سیاسی و نظامی جنبش جنگل را فراهم کردند؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد انگلیسی‌ها با توجه به اقدامات دیپلماتیک، سیاسی و نظامی که در برابر جنگلی‌ها انجام داده بودند، علاوه بر تأمین منافع خود در ایران، گیلان و قفقاز، یکی از عوامل مؤثر ناکامی، از پاشیدگی و سرانجام سقوط جنبش جنگل شدند. روش پژوهش در مقاله حاضر به روش تاریخی، اسنادی و با رویکرد تحلیلی انجام می‌پذیرد.
واژه‌های کلیدی: جنبش جنگل، انگلستان، بلشویک‌ها، کوچک‌خان.	

استناد: پناهی، عباس (۱۴۰۰). تأثیر انگلستان بر رویکردهای نظامی، فکری و سیاسی جنبش جنگل؛ پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، دوره ۱۵، شماره ۲۹، ص ۱۳۱-۱۶۰.

DOI: 10.22111/JHR.2021.37968.3104

مقدمه

جنبش جنگل با شعار و آرمان تجدید حیات استقلال ایران و دفاع از آرمان‌های مشروطه، مبارزات سیاسی و نظامی خود را در برابر قوای روسیه تزاری در جنگل‌های گیلان آغاز کرد. اندکی پس از اعلان موجودیت جنگلی‌ها، شروع جنگ جهانی اول و واژگونی رژیم تزاری، زمینه ضعف قدرت روس‌ها را در ایران و گیلان فراهم کرد. در نتیجه خلأ قدرت روسیه در گیلان موجب گسترش قدرت جنگلی‌ها سرزمین شد. با وجود اینکه در ماه‌های نخستین انقلاب بلشویکی آن‌ها تهدیدی برای منافع انگلستان در ایران به شمار نمی‌رفتند، اما رویکرد ضد امپریالیستی رهبران بلشویک و شعارهای انقلابیون روس آن‌ها را به کابوسی برای نظام سرمایه‌داری غرب تبدیل کرد. از نظر انگلیسی‌ها نیروی انقلاب بلشویکی باید به هر ترتیب ممکن تحت کنترل قرار می‌گرفتند تا مستعمرات بریتانیا از دسترس انقلابیون و تبلیغات آنان مصون بماند. یکی از مناطق بسیار حساس اقتصادی و نظامی جنگ جهانی اول برای بریتانیا در آسیای باختری پس از خاورمیانه، قفقاز بود. در نتیجه انگلیسی‌ها قصد داشتند تا از نفوذ بلشویک‌ها و عثمانی‌ها به این منطقه جلوگیری کنند. لذا مأموریت قوای نظامی دانستر فورس در همین رویکرد و سیاست‌های آنان قرار داشت. انجام این مأموریت برای انگلیسی‌ها بهای زیادی برای‌شان به دنبال داشت، زیرا آنان علاوه بر جغرافیای دشوار گیلان، نیروهای جنگلی را در برابر خود می‌دیدند. شیوه مقابله با جنگلی‌ها و تدابیر آنان تأثیر زیادی بر تحولات فکری، سیاسی و نظامی جنبش جنگل در سال‌های آینده حیات جنبش داشت. انگلیسی‌ها نخست با دیپلماسی و سپس جنگ مستقیم توانستند جنگلی‌ها را به‌زانو درآورند. و در نهایت با انعقاد قرارداد ترک مخاصمه زمینه چندپارگی فکری و سیاسی در بین جنگلی‌ها شده و باروی کار آمدن و ثوق‌الدوله عرصه را چنان بر جنگلی‌ها تنگ نموده که در نهایت نخست حاج احمد کسمایی حاضر به ادامه مبارزه نشد و به دنبال آن دکتر حشمت نیز ادامه نبرد را بی‌فایده دانست و تسلیم نیروهای دولتی شد. زیرا در اواخر سال ۱۲۹۷ خ. تمام نیروهای بیگانه جز انگلستان از ایران خارج شده بودند و دیگر دلیلی برای تداوم مبارزه برای جنگلی‌ها که انگیزه خود را خروج بیگانگان اعلام کرده بودند، وجود نداشت.

وقایع پیش‌آمده در نیمه نخست سال ۱۲۹۸ خ. موجب به حاشیه رانده شدن هیات اتحاد اسلام و حذف آن در جنبش جنگل شد. به دنبال تصفیه جنگل از جناح راست، چهره‌های فرصت‌طلب و ایدئولوژی جدید بلشویکی درون جنگل تولد یافت که به‌نوعی اقدامات، افکار و ایده‌های آنان بسترساز حذف تدریجی جنبش شد. آن‌ها با گرایش به بلشویک‌ها از اهداف اولیه خود که در مانیفست‌شان بیان کردند، دور شده و با این حرکت خود و چرخش ایدئولوژیک، حاکمیت ملی ایران را که در مرامنامه‌شان تأکید نموده بودند، نقض کردند. گزارش‌های سیاسی و تاریخی نشان می‌دهند ریشه بسیاری از بحران‌های سیاسی جنگلی‌ها علاوه بر تضادهای ایدئولوژیک و ضعف تشکیلاتی آنان، از اردیبهشت ۱۲۹۸ خ. پس از تسلیم دکتر حشمت تا سقوط آن‌ها ریشه در شکست آن‌ها در نبرد منجیل و قرارداد ترک مخاصمه با بریتانیا و حوادث پس‌از آن داشت. هدف از انجام پژوهش حاضر بررسی و تحلیل نقش و کارکرد انگلیسی‌ها در جنبش جنگل با تمرکز بر دو حادثه سرنوشت‌ساز است که بین جنگلی‌ها و انگلیسی‌ها روی داده است. این دو واقعه موجب تغییراتی مهم بر رویکردهای فکری و نظامی سال‌های پایانی جنبش داشت. در ماجرای نبرد منجیل انگلیسی‌ها توانستند پس از شکست جنگلی‌ها اعتماد به نفس آنان را تضعیف نمایند، از این‌رو در پی تداوم جنگ‌های هوایی و زمینی انگلیسی‌ها، جنگلی‌ها مجبور به امضای «قرارداد ترک مخاصمه» با انگلیسی‌ها شدند. تأثیر این قرارداد بر ساختار نظامی و سیاسی جنبش بیشتر از درگیری «منجیل» بین آن‌ها بوده است. زیرا انگلیسی‌ها موفق می‌شوند پس از آسودگی از مساله جنگلی‌ها و صلح با آن‌ها پس از به قدرت رساندن وثوق‌الدوله در رأس دولت به تحکیم پایه‌های خود در سایه فقدان رقیب دیرینه یعنی روسیه پردازند و سیاست‌های خود به‌ویژه قرارداد ۱۹۱۹ م. را در ایران عملی کنند. در زمینه خاتمه بخشیدن به مساله جنگل نیز تلاش داشتند این مساله را با کمک دولت ایران انجام دهند. در نتیجه وثوق‌الدوله با ارسال تیمورتاش به حکومت گیلان مامور خاتمه بخشیدن به جنبش جنگل شد. تیمورتاش به کمک انگلیسی‌ها نخست زمینه جدایی حاج احمد از جنبش را به وجود آورد و با افزایش فشار بر جنگلی‌ها آنها را در گیلان منزوی نمود و برآیند این مساله موجب شد تا بسیاری از جنگجویان جنگلی تمایلی برای ادامه مبارزه با قوای دولتی نداشته باشند. اقدامات تیمورتاش نقش موثری بر یاس و ناامیدی

جنگلی‌ها در آن دوره حساس تاریخی داشت. در نتیجه دکتر حمشت با اعلام بی‌فایده دانستن ادامه مبارزه تسلیم قوای دولتی شد. تداوم فشار انگلیسی‌ها مهمترین عامل پیوستن کوچک‌خان و جنبش جنگل به بلشویک‌ها بود. بعدها انگلیسی‌ها با تأثیرگذاری بر چهره‌های فرصت‌طلب جنبش از یک سو زمینه بیراهه رفتن تشکیلات جنبش و از دیگر سو موجب گسترش نارضایتی عمومی مردم گیلان شدند و بستر سرکوب جنبش توسط قوای دولتی را فراهم کردند. نبرد منجیل زمینه‌های ضعف نظامی جنگلی‌ها را فراهم کرد و قرارداد ترک مخاصمه ساختار فکری، تشکیلاتی و انسجام آنها را مورد هدف قرار داد. در حقیقت چرخش ایدئولوژیک و فکری جنگلی‌ها و گرایش به بلشویک‌ها پس از این قرارداد ایجاد شده و نفوذ فرصت طلب‌ها در درون آنها به فروپاشی کامل جنبش انجامید. در مقاله حاضر نگارنده با تکیه بر نوشته‌ها، خاطرات، پژوهش‌ها و اسناد مرتبط با این موضوع تلاش دارد تا با رویکردی تحلیلی از خلال گزارش‌های موجود به واکاوی تأثیر نبرد منجیل، قرارداد ترک مخاصمه و حوادث پس از آن بر تحولات جنبش جنگل و رویکردهای آنان بپردازد.

پیشینه پژوهش

در بررسی ماخذشناسی جنبش جنگل حجم زیادی از پژوهش‌های انجام شده به تاریخ سیاسی و نظامی جنبش و بخش قابل توجه‌ای نیز به نقش بلشویک‌ها و کارکرد جناح چپ در این جنبش مربوط است. در کتاب ماخذشناسی تحلیلی جنبش جنگل، عباس پناهی (۱۳۹۶) به مقالات و کتاب‌هایی که در این حوزه نگارش شده‌اند، اشاره کرده است. یکی از مهمترین منابع در حوزه جنبش جنگل نخست اسناد این دوره، سپس خاطرات بازمانده از مخالفان و موافقان جنبش جنگل است. علاوه بر اسناد مراکز آرشیوی ایران، تاکنون چند مجموعه ارزشمند از اسناد درباره جنبش جنگل منتشر شده است. در کتاب «جنبش میرزا کوچک‌خان بنابر گزارش‌های سفارت انگلستان» که توسط غلامحسین میرزاصالح منتشر شده است، نکات ارزشمندی درباره دیدگاه‌های انگلیسی‌ها به جنبش و چگونگی مقابله با آن دیده می‌شود (۱۳۶۹). همچنین در کتاب نهضت جنگل و اتحاد اسلام (۱۳۹۱)، اسناد گیلان در دوره پهلوی اول (پناهی، ۱۳۹۸)، اسنادی درباره جنبش جنگل و نقش

انگلستان در جنبش دیده می‌شود. در زمینه خاطرات نیز نکته‌های ارزشمندی دیده می‌شود. در بین مخالفان جنبش، در خاطرات ژنرال دنسترویل (۱۳۶۱) ضمن اشاره رسمی وی به رویکرد بریتانیا به این جنبش، نقش انگلیسی‌ها در برابر جنگلی‌ها مورد تأکید نویسنده قرار گرفته است. دیدگاه‌های دنسترویل نسبت به جنگلی‌ها کاملاً جانبدارانه است. علاوه بر این اثر، در نوشته‌های یقینان با توجه به این که وی به حوادث سیاسی و نظامی اواخر دوره جنبش می‌پردازد، نکات ارزنده‌ای دیده می‌شود (۱۳۶۲). در سایر خاطرات پراکنده‌ای که جنگجویان جنگلی و یا کنش‌گران سیاسی این دوره از خود برجای نهاده‌اند، به نقش و کارکرد انگلیسی‌ها بر جنبش جنگل اشاره شده است. با این حال واکاوی و تحلیل درباره میزان تاثیر انگلیسی‌ها بر شکست و ناکامی جنبش دیده نمی‌شود. در زمینه پژوهش‌های جدید نیز؛ شاکری نیز در کتاب «میلاذ زخم» (۱۳۸۶) به نقش انگلستان در جنبش جنگل می‌پردازد، اما در این اثر به تحلیل تاثیر نبرد منجیل و حوادث پس از آن بر ساختار فکری، سیاسی و نظامی جنبش جنگل و همچنین دگرگونی‌های بنیادینی که در نتیجه این برخورد روی داده است، نمی‌پردازد. پژمان دیلمی نیز در کتاب سیمای پنهان پوپولیسست‌های رشت (۲۰۱۹) تحلیل‌های ارزشمندی درباره نقش انگلیسی‌ها در جنبش ارائه می‌دهد. در حوزه مقالات پژوهشی نیز؛ درباره نقش و تاثیر قرارداد ترک‌مخاصمه انگلیسی‌ها بر تحولات و فرایندهای سیاسی، فکری و نظامی جنبش، پژوهشی انجام نشده است، با این حال در مقاله‌های منتشر شده بدون پرداختن به تاثیر این معاهده، پژوهشگران به تاثیر انگلستان بر جنبش پرداخته‌اند. در مقاله «بازشناسی سه جریان سیاسی جنبش جنگل مواضع و دیدگاه‌های آنان»، زاهد غفار هشتجین، عباس کشاورز شگری و عباس نعیمی جورشری (۱۳۸۹) نویسندگان به تحلیل ایدئولوژی‌های غالب جنبش اشاره کرده‌اند، اما درباره تاثیر انگلستان در چرخش ایدئولوژیک جنگلی‌ها نپرداخته‌اند.

در مقاله «تناقض ایدئولوژیک در جنبش جنگل» پژوهش محسن خلیجی و محمدرادمهر (۱۳۸۸)، تنها به تناقض‌های ایدئولوژیک که حاصل چرخش‌های سیاسی جنبش بوده، اشاره شده است. در مقاله «تحلیل جامعه‌شناختی نهضت جنگل با تحلیل بر ایدئولوژی آن» نگارش اسماعیل مسعودی و سید

زاهد زاهدانی (۱۳۹۴) نیز به برخی از دلایل چرخش ایدئولوژیک جنبش اشاره شده، اما از تاثیر فشارهای انگلستان که تاثیر زیادی در این تغيير مسیر فکری جنگلی‌ها داشته را مورد بررسی قرار نداده‌اند. همچنین در مقاله «جنبش جنگل در پرتو کشمکش قدرت‌های بزرگ» عباس پناهی و امیر مهرنیا، (۱۳۹۶) نویسندگان در بررسی تاثیر قدرت‌های بزرگ بر جنبش جنگل، تنها به تاثیر سیاسی و منافع انگلستان در برخورد با جنبش اشاره کرده‌اند. در مقاله «روش و بینش تاریخ‌نگاری گریگور یفیکیان در کتاب شوروی و جنبش جنگل» عباس پناهی (۱۳۹۸) نویسنده ضمن تحلیل دیدگاه‌های یفیکیان و گرایش وی به انگلیسی‌ها، به تاثیر سیاست‌های بریتانیا بر جنبش جنگل اشاره کرده است. در زمینه پایان‌نامه‌های تاریخی نیز پژوهش مستقلی درباره «نقش انگلستان در جنبش جنگل» (قبری، ۱۳۹۶) انجام شده است، اما پژوهشگر با وجود ارائه سیر نفوذ انگلیسی‌ها در جنبش، به اهمیت قرارداد ترک مخاصمه و تاثیر آن بر فرایندهای سیاسی و نظامی جنبش نمی‌پردازد.

نگارنده با توجه به پژوهش‌ها، تحلیل‌ها و رویکردهای یاد شده، تلاش دارد تا با تکیه بر اسناد، خاطرات و نوشته‌های موبوط به جنبش جنگل به یکی از حلقه‌ها و دوره‌های مهم و تاثیرگذار بر این جنبش جنگل بپردازد که نقطه عطفی در تاریخ هفت ساله این جنبش بوده است. در حالی که تاثیرات این قرارداد بر ساختار دورنی جنبش جنگل و چرخش ایدئولوژیک آنان تاکنون مورد بررسی و پژوهش قرار نگرفته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، تغییرات ایدئولوژیک، سیاسی و نظامی جنگلی‌ها در نفی سلطنت، نظام مشروطیت و اعلام جمهوری پس از این واقعه روی داده است. علاوه بر این چرخش، آنان با گرایش به بلشویک‌ها بخشی از آرمان‌های خود مبنی بر استقلال و تمامیت ارضی، دفاع از قانون اساسی، مشروطیت و نظام سلطنت را نقض کرده و برای نجات جنبش، استقلال و تمامیت ارضی ایران را به خطر افکندند و با این رویکرد خود برای نفی بیگانگان و استبداد داخلی، آغوش خود را برای بیگانه‌ای دیگر گشودند (میرزاصالح، ۱۳۶۹: ۳-۷). در پژوهش پیش رو نتایج این معاهده بر تشکیلات، ایدئولوژی و فرایندهای سیاسی و نظامی جنبش جنگل مورد بررسی قرار می‌گیرد.

سیاست جنگلی‌ها در برخورد با نیروهای سیاسی و نظامی بیگانه

شکل‌گیری جنبش جنگل در گیلان نخست نتیجه سیاست‌های سخت‌گیرانه و مداخله‌جویانه روسیه در گیلان، اقدامات انگلستان پس از قرارداد ۱۹۰۷ م. در ایران و گیلان و همچنین ناکارآمدی نظام سیاسی، اجتماعی و اقتصادی گیلان بوده است (مهرداد و دیگران، ۱۳۸۵: ۳۹). روس‌ها پس از اولتیماتوم به دولت ایران، برای جلوگیری از ایجاد مقاومت در گیلان، برخی از آزادیخواهان گیلانی را بر دار نموده و باقی‌مانده آنها نظیر کوچک‌خان، میرزا رحیم شیشه‌بر و سردار محی و دیگران را از این سرزمین تبعید نمودند (فخرائی، ۱۳۵۷: ۳۸). این اقدامات روس‌ها به معنای اشغال کامل سرزمین گیلان محسوب شد و روحیه ضدروسی را بیش از گذشته در گیلان شعله‌ور ساخت. در نتیجه بسیاری از مجاهدان مشروطه که این زمان در تهران گردآمده بودند، جذب حزب دموکرات که تمایلات ضدروسی داشت، شدند و آنها نیز تنها راه برون‌رفت از فشار رو به افزایش انگلستان و روسیه را شکل‌گیری جنبش‌های استقلال‌طلبانه در گیلان می‌دانستند (دولت‌آبادی، ۱۳۷۱: ۱۴۲/۴، ۱۴۳). با توجه به گرایش دموکرات‌ها به عثمانی و گسترش اندیشه اتحاد اسلامی در بین دموکرات‌های ایرانی، این اندیشه در این زمان مورد توجه جریان‌های سیاسی ضد روسی و انگلیسی نیز قرار گرفت. از این رو در تحلیل نهایی آنان کشورهای آلمان و عثمانی که در جبهه مقابل روسیه و انگلستان قرار داشتند، کشورهای دوست شمرده شدند (کسروی، ۱۳۷۸، ۸۱۳). در این زمان کوچک‌خان که تحت تاثیر دموکرات‌های برجسته‌ای نظیر؛ میرزا طاهرتنکابنی (۱) و دیگران قرار گرفته بود، جذب هیات اتحاد اسلام شعبه تهران شد که با هدف ایجاد اتحاد بین نیروهای مخالف استعمارگر تشکیل شده بود (فخرایی، همان: ۲۲-۲۳؛ جنگلی، ۱۳۷۱: ۱۳۵) هرچند مرام و مشی هیات اتحاد اسلام با مرامنامه جنگلی‌ها که بعدها تنظیم شد، در تناقض بود. زیرا تکیه و تاکید اتحاد اسلام بر تشکیل امت اسلامی نهاده شده بود، در حالی که بعدها جنگلی‌ها رویکرد ناسیونالیستی در پیش گرفته و خواهان قطع نفوذ بیگانگان از ایران شدند (جنگل، س اول، ش ۲۸). بحث تناقضات ایدئولوژیکی یکی از نقاط ضعف فکری و ایدئولوژیکی جنبش طی حیات هفت ساله آن بود. و همین مساله نیز موجب اختلاف‌های درونی آنان شده و سپس شکست نهایی آنان را فراهم آورد.

مبارزان جنگلی پس از استقرار در جنگل‌های باختری گیلان در سال دوم حیات سیاسی و نظامی خود، روزنامه جنگل را ۱۹ شعبان ۱۳۳۵ منتشر کردند. این روزنام ضمن خود به عنوان زبان هیات اتحاد اسلام، با تکیه بر مرامنامه جنگلی‌ها، ضمن وفاداری به میهن و قانون اساسی مشروطه، هر نوع شائبه درباره وابستگی خود به بیگانگان را رد می‌کنند. جنگل در شماره پنجم می‌نویسد: «هیئت اتحاد اسلام ... در آتیه به هر اقدام مشروع دست بزنند، مطابق تمام قوانین جاریه‌ی مملکت، اصول و مواد کلی و جزئی قوانین موضوعه دارالشورای کبری که کعبه آمال فداییان ایران است، خواهد بود» (روزنامه جنگل، سال اول، شماره اول). آن‌ها همچنین ایدئولوژی خود را این‌گونه بیان کرده‌اند: «ما قبل از هر چیز طرفدار استقلال مملکت ایرانیم، استقلالی به تمام معنی کلمه یعنی بدون اندک مداخله هیچ دولت اجنبی، اصلاحات اساسی مملکت و رفع فساد تشکیلات دولتی که هرچه برسر ایران آمده از فساد تشکیلات است» (روزنامه جنگل، شماره ۲۸، سال اول؛ فخرایی، ۱۳۵۷: ۵۱ و ۵۲). این ایدئولوژی اگرچه بسیار کوتاه است، اما به دلیل شرایط آن روز که ایران در اشغال بیگانگان قرار داشت رسا و گویا به نظر می‌رسید. براساس مرامنامه و ایدئولوژی مطرح شده، جنگلی‌ها سیاست خود را در راستای مبارزه با بیگانگان قرار دادند، هرچند مراد و مقصود آنها از بیگانگان نخست روسیه و سپس انگلستان بود. با این حال در چشم و دل رهبران جنگل عثمانی و آلمان به جهت این که با دشمن مشترک آنان در نبرد بودند، دشمن تلقی نمی‌شدند. با این حال رویکرد خوشبینانه آن‌ها به عثمانی و آلمان با مرامنامه جنگلی‌ها در تناقضی آشکار بود. فخرایی از هیات اتحاد اسلام جنگل به عنوان مغز متفکر جنبش جنگل یاد می‌کند که تصمیمات مهم و اساسی جنبش بر اساس دیدگاه‌ها و نظرات آنها گرفته می‌شد (فخرایی، همان: ۴۲). در نتیجه تحلیلی که جنگلی‌ها درباره بیگانگان و دشمنان ایران برای خود ارائه داده‌اند، در پیش گرفتن سیاست دوستی با عثمانی و نیروهای آلمانی را در پیش گرفتند، این رویکرد تا واقعه نبرد منجیل ۴ رمضان ۱۳۳۶ / ۲۲ خرداد ۱۲۹۷ خ. و اندکی پس از آن تداوم یافت. تا این که سرانجام در نتیجه فشار انگلیسی‌ها پس از مرداد ۱۲۹۷ خ. جنگلی‌ها مجبور به اخراج نیروهای بیگانه از جنگل شدند و کمتر از چند ماه بعد با فشار وثوق الدوله و تسلیم حاج احمد و دکتر حشمت، کمیته اتحاد اسلام نیز عملاً با اعلامیه حکومت گیلان (سوم بهمن

۲۳/۱۲۹۸ ژانویه ۱۹۲۰) انحلال و عمر آن پایان یافت (یقیکیان، ۱۳۶۳: ۷۹). البته علاوه بر فشار و اصرار نیروهای انگلیسی در اخراج نیروهای آلمانی و عثمانی از جنگل، هجوم عثمانی‌ها به مناطق باختری ایران و فجایی که آنها در این مناطق مرتکب شده بودند، در تصمیم جنگلی‌ها در اخراج نیروهای عثمانی بی‌تاثیر نبود. زیرا با دومین یورش عثمانی‌ها به آذربایجان در ۱۸ رمضان ۱۳۳۶ ق. ارومیه و تبریز اشغال شد و مردم این پهنه متحمل آسیب‌های زیادی شدند. در نتیجه با این هجوم، اهداف تجاوزگرانه عثمانیان در الحاق آذربایجان به عثمانی بیش از گذشته آشکار گردید (۲). از این رو کوچک‌خان احتمالاً با درک نیت پنهانی آنان، از ادامه همکاری با عثمانیان منصرف شد (گرکه، ۱۳۷۷: ۴۲۶).

در بررسی کارنامه دوره نخست حیات فکری و سیاسی جنگلی‌ها، به جهت دلبستگی به اندیشه اتحاد اسلام، آن‌ها را نمی‌توان به عنوان جنبشی کاملاً مستقل از بیگانگان مورد تحلیل و ارزیابی قرار داد. زیرا حضور فکری، ایدئولوژیک و نظامی بیگانگان کم و بیش در جنبش قابل مشاهده است. آن‌ها به همان اندازه که از روس‌ها و انگلیسی‌ها متنفر بودند، در اظهار دوستی با عثمانی و آلمان سیاست‌ها و دیدگاه‌های خود را پوشیده نمی‌کردند (فخرایی، ۱۳۵۷: ۹۱) همان‌گونه که بعدها با ورود بلشویک‌ها به گیلان نویسندگان روزنامه جنگل آشکارا به دفاع از مواضع دولت شوروی در ایران پرداختند (روزنامه جنگل، س اول، ش ۹). در حالی که عثمانی حتی در دوره اول حیات سیاسی جنبش جنگل بارها به مرزهای باختری ایران دست اندازی کرده و به غارت و کشتار مردم این مناطق مبادرت نمود (دیلمی، ۱۳۸۹: ۱۸۸). از سوی دیگر جنگلی‌ها برای تداوم حیات و موجودیت خود چاره‌ای جز اتحاد سیاسی با دولت‌های محور نداشتند، همان‌طور که پس از قطع همکاری با عثمانی با پیدا شدن سرو کله بلشویک‌ها، کوچک‌خان برای یاری جستن از نیروهای ارتش سرخ در برابر انگلیسی‌ها مخالفتی برای همکاری با بلشویک‌ها ابراز نکرد و پس از شنیدن خبر ورود بلشویک‌ها در انزلی، به هم‌زمانش گفت: «برویم به شکرانه ورد برادران بلشویک دو رکعت نماز شکر بخوانیم» (سپهر، ۱۳۶۲: ۱۰۸) البته در این زمان با توجه به شعارهای آزادیخواهانه‌ای که بلشویک‌ها از آن سخن می‌گفتند، موجب جذب

ایرانیانی شد که از سیاست‌های روسیه و انگلستان در ایران دوری می‌جستند به آنها شد (مرکز اسناد وزارت امور خارجه، ش سند، ۱۳۳۶/۶۶/۲۶/۳۲)، بعدها بلشویک‌ها در همان مسیری گام برداشتند که روسیه تزاری از آن مسیر رفته بود.

دلایل توجه انگلیسی‌ها به گیلان و چگونگی مواجهه با جنگلی‌ها

وقوع انقلاب سوسیالیستی روسیه در فوریه ۱۹۱۷ م. و به دنبال آن انقلاب بلشویکی در اکتبر همین سال، موجب شد تا روس‌ها به دنبال خارج نمودن نیروهای نظامی خود از جنگ جهانی اول و به دنبال آن از ایران باشند. این موضوع به معنای پایان حضور نیروهای روسیه از گیلان بود. در حقیقت جنگلی‌ها با پایان حضور نیروهای روسی در گیلان به اهداف خود دست یافته و این مساله به معنای پایان جنبش بود. اما در پی خروج نیروهای تزاری از گیلان، (شیخ الاسلامی، ۱۳۶۵: ۱۲۶) ورود نیروهای انگلیسی و بلشویک به گیلان، ابعاد تازه‌ای به جنبش جنگل بخشید و موجب شد تا جنگلی‌ها وارد دور تازه‌ای از منازعات داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی شوند، که در نهایت به بهای شکست و سرنگونی آنها انجامد. زیرا خروج نیروهای روسی از ایران موجب افزایش نگرانی انگلستان از وضعیت گیلان، قفقاز و مناطق پیرامونی آن شده بود. علاوه بر آن، تعداد زیاد نیروهای نظامی روس که به یک‌باره خواهان خروج از مسیر گیلان بودند، موجب وحشت مردم و دولت ایران شد. این نگرانی در اسناد وزارت خارجه ایران بازتاب یافته است (۳) (نصیری مقدم، ۱۳۷۴: سند شماره ۱۵۱). اعلان صلح یک جانبه روسیه با آلمان و محترم شمردن استقلال سیاسی، اقتصادی و تمامیت ارضی ایران در قرارداد برست لیتوفسک همچنین تشکیل جمهوری آذربایجان توسط مساواتیست‌ها که به عثمانی گرایش داشتند (رایت، ۱۳۸۲، ۲۰۵؛ گیلک، ۱۳۷۱: ۸۸ - ۹۰) معادلات نظامی را به نفع متحدان تغییر می‌داد، از سوی دیگر منافع انگلستان را در مستعمرات شرقی به شدت به خطر می‌انداخت. لذا انگلستان و سایر متفقین بلشویک‌ها را به رسمیت نشناختند و در مقابل آن موضع‌گیری تندی کردند (مرکز اسناد وزارت امور خارجه، ش سند، ۱۳۳۶/۶۶/۲۶/۴۴؛ سپهر، ۱۳۶۲: ۴۶۰). اتخاذ چنین سیاستی بر مواضع خصمانه دولت نوبنیاد شوروی علیه انگلستان افزود

(دنستریل، ۱۳۵۷: ۲۲) انگلستان، قدرت یافتن بلشویک‌ها به رهبری لنین را که از حمایت آلمان‌ها نیز بهره‌مند بودند، چالشی جدی دانست. به همین جهت تدابیری را برای مقابله با خطر کمونیزم طراحی نمود. انگلستان در نخستین گام از افسران مخالف انقلاب مانند دنیکن، کلچاک و... حمایت آشکار و نظامی کرد (پرسیس، ۱۳۷۹: ۲۳ و ۲۴؛ دولاندن، ۳۸۳: ۱۳۹۰ و ۳۸۴). در مرحله دوم به بهانه حفظ خطوط نظامی و جلوگیری از ضعف قوای روسی مناطقی که روس‌ها از آن خارج می‌شدند را به اشغال خود درآورد (پرسیس، همان: ۲۸-۳۲). در مرحله دوم به بهانه حفظ خطوط نظامی و جلوگیری از ضعف قوای روسی مناطقی که روس‌ها از آن خارج می‌شدند را به اشغال خود درآورد (پرسیس، همان: ۲۸-۳۲). در مرحله سوم همان‌گونه که در عهدنامه صلح و گفتگوهایی که بین طرف‌های پیروز جنگ، طرح شده بود برای خاموش کردن کمونیزم تلاش کرد، پیش از قدرت‌گیری دوباره روسیه، ایالت‌های جنوبی روسیه را که شامل قفقاز و ماوراءالنهر می‌گردید به شکل جمهوری‌های مستقلی درآورد (مستوفی، ۱۳۷۱: ج ۳/ ۱۴۷) لذا انگلستان برای کنترل اوضاع قفقاز در تدارک نیرویی واکنش سریع تحت عنوان «دانستر فورس» در ژانویه ۱۹۱۸ م. به فرماندهی ژنرال دنستریل از بغداد و همدان به رشت بودند تا به سرعت باکو را در اختیار خود قرار دهند (هوشنگ مهدوی، ۱۳۸۸: ۳۵۳). ارسال این نیرو که تجهیزات و تدارکات بسیاری همراه داشت از مسیر گیلان بسیار دشوار بود. زیرا در این زمان گیلان تحت سیطره جنگلی‌ها بود که در این زمان با توجه به ضعف دولت مرکزی و تضعیف قدرت روسیه تزاری توانسته بودند سراسر گیلان را تصرف کنند (پرتو، ۱۳۹۱: ۱۵۷-۱۶۳). انگلیسی‌ها که با مانعی جدی در شمال ایران مواجه شدند (سپهر، ۱۳۶۲: ۳۸۸)، برای تحقق اهداف خود باید یا با جنگلی‌ها به توافق رسیده و یا این‌که در نبردی رودر رو آنها را از پای درآورد. از سوی دیگر وقوع انقلاب بلشویکی نیز بر وخامت اوضاع ایران افزود.

پرسیس با تکیه بر اسناد آرشیوهای شوروی تاکید می‌کند کمونیست‌های ایرانی قصد داشتند تا با تکیه بر بلشویک‌ها و ابزارهای خشونت‌آمیز نخست در گیلان و سپس سراسر ایران جمهوری سوسیالیستی شوروی بنا کنند (پرسیس، همان: ۹) هرچند حضور اولیه آنان در ورود به انزلی چندان موجب خشم انگلستان نشد. وی معتقد است اشغال بخش‌هایی از ایران توسط انگلیسی‌ها شاید یکی

از دلیل مواضع مسالمت‌آمیز بریتانیا در برابر بلشویک‌ها باشد (همان: ۱۹) اما گسترش سیاست نظامی بلشویک‌ها در گیلان و سپس خراسان و دنبال‌نمودن سیاست شوروی‌نمودن ایران موجب حساسیت شدید انگلیسی‌ها نسبت به حضور نیروهای نظامی شوروی در ایران شد (همان: ۲۱). تردیدهای انگلیسی‌ها زمانی از تداوم حضور بلشویک‌ها بیشتر شد که آنها نسبت به پیشنهاد دولت ایران مبنی بر ترک مسالمت‌آمیز نیروهای روسیه سفید از خاک ایران و دریای کاسپین چندان توجهی نکردند و خواهان حضور قهرآمیز در گیلان شدند. این موضوع نشان از برنامه‌ریزی بلندمدت بلشویک‌ها در ایران داشت (همان: ۲۵).

در نتیجه انگلیسی‌ها علاوه بر مساله جنگل، باید برای ایجاد قدرتی متمرکز در ایران که بتواند در مقابل شوروی مقاومت کند، می‌اندیشیدند. لردکرزن اهداف انگلستان را این‌گونه بیان می‌کند: «ایران بایستی همیشه مقدرات و سرنوشت خویش را به کمک و مساعدت ما تعیین نماید» (مکی، ۱۳۵۷: ۱۱) خط مشی بریتانیا در ایران پس از انقلاب اکتبر بر این محور قرار گرفت تا کابینه‌ای تحت فرمان خود در ایران بر سر کار آورد و به وسیله آن اهداف خود را عملی کند (ماهرلی، ۱۳۶۹: ۳۲۹). به همین منظور سرپرستی کاکس به عنوان سفیر ایران انتخاب و به تهران اعزام شد. او مأموریت داشت امنیت را در ایران برقرار سازد و فرد مناسبی را برای تشکیل دولتی مقتدر انتخاب کند (دولت آبادی، ۱۳۷۱: ۴ / ۹۷). اما برای استقرار چنین دولتی با توجه به آشفتگی سیاسی در ایران و آشوب‌های متعدد در ایالات مختلف مستلزم زمان زیادی بود. انگلیسی‌ها برای تامین نیروی نظامی و استفاده از نیروهای روسیه‌تزاری که تحت فرماندهی بیچراخف بودند، استفاده نموده و با تامین منابع مالی آنها، سربازان بیچراخف را در مسیر سیاست‌های بریتانیا در گیلان و قفقاز به کار گرفتند. این نیروها نقش موثری در نبرد منجیل علیه قوای جنگل داشته و همچنین مسیر عبور سربازان بریتانیایی به قفقاز و باکو را ممکن نمودند (دنسترویل، ۱۳۵۷: ۲۲۴ و ۲۲۵). به این ترتیب نخستین برخورد نظامی قوای جنگل و انگلیسی‌ها در ۴ رمضان ۱۳۳۶ ق. روی می‌دهد که در نهایت موجب ازهم پاشیدگی انسجام نظامی نیروی جنگل می‌شود (فخرایی، ۱۳۵۷: ۱۳۲). جنگلی‌ها پیش از جنگ منجیل و حتی پیش از وقوع انقلاب اکتبر به اهداف توسعه‌طلبانه انگلستان پی برده بودند، آن‌ها در روزنامه جنگل حمله به

انگلستان را آغاز کردند و پرده از اهداف توسعه‌طلبانه آنان برداشتند. در شماره دوازدهم روزنامه به تاریخ ۱۳ مهر ۱۲۹۶ / ۵ اکتبر ۱۹۱۷ انگلستان را متهم نمودند که بر دولت ایران فشار وارد کرده تا دولت مرکزی ایران جنگی‌ها را خلع سلاح نماید. روزنامه‌جنگل این تلاش را محکوم نموده و یادآور شد: «بانی این تهمت‌ها... مشتعل‌کننده آتش جنگ بین‌المللی... همان گرگ مدعی چوپانی، همان طرفدار دروغی ملل صغیر... یعنی دولت عدالت‌کش انگلیس است و بس. مقصودش چیست؟ مقصودش محو استقلال ما، تصرف خانه موروثی ما، اسارت ابدی ما است» (نعمتی لیمائی، ۱۳۸۹: ۷۸ و ۷۹).

اگرچه انگلیسی‌ها پس از پیروزی در جنگ منجیل، رشت را در اختیار خود گرفتند، اما جنگ با نیروهای جنگی همچنان تا مرداد ماه ۱۲۹۷ خ. ادامه داشت. جنگی‌ها با ناامن نمودن جاده رشت- قزوین تلاش داشتند تدارکات ارتش بریتانیا را با مشکل مواجه سازند (گیلک، ۱۳۷۱: ۱۷۲). علاوه بر این جنگی‌ها با انتشار بیانیه‌ها و اخبار جنگ، تسلط بی‌قیدوشرط بر گیلان را برای انگلیسی‌ها سخت می‌کردند (گیلک، ۱۳۷۱: ۱۶۲). به این ترتیب مشکل عمده‌ای که بر سر راه گسترش نفوذ انگلستان برای تسلط بر گیلان و ارتباط با باکو و قفقاز وجود داشت، جنگی‌ها بودند (جنگلی، ۱۳۵۷: ۱۴۶) انگلیسی‌ها در سایه حذف رقیب دیرینه‌شان یعنی روسیه تزاری، برای تسلط همه جانبه بر ایران در حال تدارک برنامه مفصلی بودند و برای اجرای این برنامه‌ها، شورش‌های ایجاد شده باید سرکوب می‌گردید (شعاعیان، ۱۳۴۹: ۵۱۷). لذا صلح با قوای جنگل حتی در کوتاه مدت نیز به نفع برنامه‌ها و سیاست‌های آنان بود. تداوم چهارماهه نبرد بین نظامیان بریتانیایی و جنگی‌ها از خرداد تا مرداد ۱۲۹۷ خ. به نفع نیروی نظامی بریتانیا نبود. جنگی‌ها نیز که به لحاظ تأمین خوراک و تسلیحات در تنگنا بودند و مرتب توسط آتشبارهای بریتانیا و نیروی هوایی آنان مورد حمله قرار می‌گرفتند، پیشنهاد صلح با بریتانیا را، که از سوی «ژولس سمپ» (۴) کنسول فرانسه در رشت پیشنهاد شده بود، را پذیرفتند (گیلک، ۱۳۷۱: ۱۸۸ - ۱۸۶) این صلح برای انگلستان نیز فرصتی ارزشمند بود، زیرا سرپرسی کاکس پس از فراغت از امور گیلان توانست در این فرصت کوتاه، وثوق‌الدوله را به عنوان

ریاست الوزراء مورد اطمینان بریتانیا، انتخاب و با وی درباره انعقاد قرارداد ۱۹۱۹ م. وارد مذاکره شود (دولت آبادی، ۱۳۷۱: ۴ / ۹۷).

سر انجام کابینه دوم وثوق الدوله در تاریخ ۶ مرداد ۱۲۹۷ خ. با هدف سر و سامان دادن به امور آشفته ایران، سرکوبی جنبش جنگل و انعقاد قرارداد با بریتانیا شروع به کار کرد (عاقلی، ۱۳۶۹: ۹۱) انگلیسی‌ها به وثوق الدوله کمک کردند تا آشرازی مانند نایب حسین کاشی را که مناطق مرکزی ایران را دستخوش ناآرامی کرده بود، سرکوب نماید. کمیته مجازات را از سر راه بردارد و اعضای آن را اعدام کند (شمیم، ۱۳۸۷: ۶۱۷) و با فرستادن قوام به ایالت خراسان و مناطق شرقی ایران، جنبش پسیان را نیز فرو نشانده و تحت کنترل کامل درآورد (دولت آبادی، ۱۳۷۱: ۴ / ۲۶۹). مهم‌ترین گام وی در این مرحله از قدرت، از میان بردن جنبش جنگل بود. در طول زمان صلح انگلیسی‌ها با جنگلی‌ها، آن‌ها موفق شدند با ایجاد تفرقه نخست زمینه جدایی حاجی احمد کسمایی را از جنبش فراهم کنند (صیوری دیلمی، ۱۳۵۸: ۹۰ و ۹۱). سپس به دستور وثوق الدوله فرمانده قوای قزاق استاروسلسکی حمله همه جانبه به جنگلی‌ها که با پشتیبانی نیروی نظامی بریتانیا نیز همراه بود، صادر کرد (مدنی، ۱۳۷۷: ۶۲؛ جنگلی، ۱۳۵۷: ۱۱۸). به دنبال آن جنگلی‌ها به جنگل‌های شرق گیلان و تنکابن عقب نشستند و برآیند این شکست، ایجاد ناامیدی در بین برخی از کهنه‌سربازان جنگلی‌ها گردید و به دنبال آن دکتر حشمت به قوای دولتی تسلیم شد (یقیکیان، ۱۳۶۳: ۷۶). وثوق الدوله در پی کسب چنین موفقیت‌هایی، به سر چارلز مارلینگ می‌نویسد: کابینه وی برای جبران خسارات ناشی از خطامشی کابینه‌های قبلی و آغاز یک خط مشی به هواداری از بریتانیا اقدام خواهد کرد (مابری، ۱۳۶۹: ۴۳۹).

تحلیل مفاد معاهده جنگلی‌ها با انگلیسی‌ها و تاثیر آن بر تحولات جنبش آن از خرداد تا مرداد ۱۲۹۷ خ.

انگلیسی‌ها برای به زانو درآوردن جنگلی‌ها از ۱۴ خرداد یعنی شکست جنگلی‌ها در نبرد منجیل تا مرداد ۱۲۹۷ خ. که منجر به معاهده ترک مخاصمه بین آنها گردید، تدابیر متعددی در پیش گرفتند.

در مدت مورد اشاره نیروهای جنگلی برای جبران شکست خود پیوسته با حمله‌های نامنظم انگلیسی‌ها را در فشار قرار می‌دادند و در مقابل نیز نیروهای نظامی انگلستان با استفاده از نیروی هوایی و پیاده نظام خود، مواضع جنگلی‌ها را بمباران می‌کردند. انگلیسی‌ها همچنین برای ایجاد نارضایتی بین مردم، خوراک و وسایل مورد نیاز و ضروری مردم از جمله برنج را احتکار می‌کردند و باعث قحطی مواد غذایی مورد نیاز مردم شدند. آنان قصد داشتند تا با اجرای این سیاست مردم را ناراضی نموده و جنگلی‌ها را عامل قحطی و بدبختی مردم مطرح کرده و افکار عمومی را علیه قوای جنگل برانگیزانند. هرچند روزنامه جنگل تلاش داشت تا با ارائه گزارش‌ها، اخبار جنگ و وضعیت موجود را شرح دهد و مردم را از شرایط پیش‌آمده آگاه نموده و خواهان همکاری مردم با جنبش شود، اما بمباران‌های مداوم هواپیماهای انگلیسی بر وخامت و نارضایتی مردم می‌افزود (گیلک، ۱۳۷۱: ۱۷۹). انگلیسی‌ها حتی با برخی از تجار معامله پنهانی جهت خرید و احتکار ارزاق انجام دادند، در نتیجه بسیاری از کالاهای مورد نیاز مردم کمیاب شد (گیلک، ۱۳۷۱: ۱۵۱) همکاری تجار گیلانی با انگلیسی‌ها نشان‌دهنده عدم تمایل آنان به تداوم حضور جنگلی‌ها در صحنه سیاسی گیلان بوده است.

در شوال ۱۳۳۶ / ۲۱ تیر ماه ۱۲۹۷ خ. جنگلی‌ها مصمم گشتند به پادگان رشت که در اشغال انگلیسی‌ها بود حمله کنند. در این جنگ شدید، جنگلی‌ها متحمل شکست سنگینی شدند. نیروهای ارتش بریتانیا باز هم از نیروی هوایی خود کمک گرفته و به بمباران شهرها از جمله فومن و سایر مناطق پرداختند، سپس به غارت اموال و املاک دست زده، تصمیم گرفتند شهر رشت را به آتش بکشند. و خانه‌های برخی از رهبران و حامیان جنگل را به آتش کشیدند (گیلک، همان: ۱۵۴-۱۵۸). انگلیسی‌ها از ادامه فشار به جنگل نتیجه نگرفتند و عبور آن‌ها از قزوین به انزلی هنوز در خطر و تهدید بود. از سوی دیگر شهر رشت نیز در قحطی به سر می‌برد. فخرایی می‌نویسد: «انگلیس‌ها از ادامه فشار به جنگل نتیجه نگرفتند و به آنها ثابت شد که با مردمی لجوجتر از خود سروکار دارند زیرا خط عبورشان از قزوین تا انزلی پیوسته در خطر تهدید بود از این رو صلاح‌شان را در صلح و سازش می‌بینند. جنگلی‌ها هم که با حملات خود کاری از پیش نبرده و مردم شهر را به محظورات بیشتری دچار ساخته و از همه مهمتر آنکه قحطی قیافه کربه‌اش

را به طبقات ناتوان نشان می‌داد. بی‌میل نبودند تحولی پیش آید و جنگ موقت متارکه گردد تا آنها بتوانند به اوضاع و سازمانشان سروصورتی بدهند» (فخرایی، همان: ۱۵۲). لذا با پادرمیانی کنسول فرانسه مقیم رشت متارکه جنگ را پذیرفته و راضی شدند که نمایندگان طرفین در باب شرایط متارکه مذاکره کنند (همان: ۱۵۹). در ۲۲ مرداد ۱۲۹۷ / اوت ۱۹۱۸ کلنل ماتیوس فرمانده قشون انگلیس همراه مستر مایر نماینده سیاسی در صفه‌سر با نمایندگان جنگل ملاقات و بعد از مباحث و مذاکره، با مواد هشت‌گانه زیر موافقت حاصل شد به امضاء نمایندگان؛ طرفین، اجراء کامل قرارداد را متعهد شدند. نماینده جنگلی‌ها رضا افشار و دکتر ابوالقاسم فرید و نمایندگان انگلیس، کلنل ماتیوس و مستر مایر بودند. انگلستان متعهد گشت در امور شهر با قوای مسلح دخالت نکند و همین طور در امور داخلی ایران، بدین ترتیب سپاه انگلیس از گیلان خارج شد (گیلک، همان: ۱۸۶). این قرارداد علاوه بر این که موجب آسودگی انگلیسی‌ها از جانب جنگلی‌ها شد. از سوی دیگر موجب شد تا نیروهای ارتش بریتانیا بدون مزاحمتی در مسیر قزوین، رشت و انزلی به باکو رفت و آمد داشته باشند. این قرارداد فرصتی برای انگلستان فراهم کرد تا بتواند سیاست‌های خود در ایران را عملی نماید.

مفاد قرارداد ترک‌مخاصمه انگلستان با جنگلی‌ها نشان دهنده موقعیت نیروی نظامی بریتانیا در به زانو درآوردن جنبش جنگل است. این قرارداد در ۸ ماده بین طرفین امضا و گروه‌های درگیر ملزم به رعایت مفاد آن شدند (گیلک، همان: ۱۸۶-۱۸۸). تجزیه و تحلیل مفاد قرارداد نشان‌دهنده برتری دیپلماسی بریتانیا در مذاکره با طرف ایرانی یعنی جنگلی‌ها است. زیرا در چهار ماده نخست جنگلی‌ها متعهد می‌شوند علاوه بر ایجاد امنیت، عبور و مرور نیروهای نظامی و دیپلماتیک انگلیسی و همچنین آذوقه آنها را تامین نموده و کلیه نیروها و شخصیت‌های غیر ایرانی که در جنبش جنگل با جنگلی‌ها همکاری می‌کردند، اخراج (۵) کنند. این مساله به معنای پایان فعالیت کمیته اتحاد اسلام در جنبش بود. همچنین جنگلی‌ها متعهد به آزادی کلیه اسرا نظیر؛ کاپیتان نوئل، لیوتنان موریس، کلنل شامانف، کاپیتان استریک و صمصام‌الکتاب می‌شوند. در مقابل انگلستان متعهد می‌شود در امور ایران دخالت نکند، اما در صورت این که ایرانی‌ها با دشمنان انگلستان همکاری نمودند، انگلستان به این بند وفادار نمی‌ماند. پر واضح است که این شرط از سوی انگلیسی‌ها رعایت نشد. یکی از مفاد این قرارداد تاکید بر انتخاب حاکم گیلان از سوی مردم بوده

است (آوری، ۱۳۷۳: ۴۱۱). به موجب این بند انتخاب حاکم گیلان در اختیارات حکومت مرکزی ایران بود (گیلک، همان). آن‌ها با گنجاندن این بند به جنگلی‌ها یادآور شدند که قدرت‌شان از مشروعیت سیاسی برخوردار نیست. این بند نیز نشان‌دهنده عدم به رسمیت شناختن جنگلی‌ها از سوی نیروی نظامی بریتانیا بوده است. قرارداد یاد شده ضعف، ازهم‌پاشیدگی و ناامیدی جنگلی‌ها را بیش از گذشته آشکار می‌کند. این قرارداد برای انگلستان فرصتی بود تا با تجدید قوا و با در اختیار گرفتن فرصت مناسب جنبش جنگل را در آینده نزدیک کاملاً سرکوب نماید و همچنین با ایجاد تفرقه موجب اضمحلال درونی جنبش شود. انگلیسی‌ها با این سیاست توانستند علاوه بر تحکیم موقعیت خود از یک سو با جدا نمودن چهره‌های محافظه‌کار جنبش جنگل، کوچک‌خان را در آغوش جناح فرصت‌طلب و بلشویک‌ها قرار دهند و با این بهانه در دو سال آینده زمینه سرکوب آنها را فراهم کنند و همچنین آنها را بازگذاشتن دست و ثوق السلطنه، نیروی قزاق بر شدت حملات خود علیه جنگلی‌ها افزود (کشاوری، ۱۳۷۱: ۱۱۰) محمدعلی گیلک به عنوان یکی از شخصیت‌هایی که در متن تحولات جنبش بوده است، در کتاب خود از قرارداد ترک‌مخاصمه جنگلی‌ها با نیروی نظامی بریتانیا به تلخی یاد می‌کند و می‌نویسد؛ این معاهده مضرات زیادی برای جنگلی‌ها ایجاد کرد یعنی نقشه محو آنها که قبلاً طرح‌ریزی شده بود، با این معاهده صورت گرفت (گیلک، ۱۳۱۷: ۱۸۹) تحلیل گیلک از این مساله با توجه به رویدادهایی که در ایران و ساختار تشکیلاتی و فکری جنگلی‌ها روی داد، کاملاً با واقعیات تاریخی مورد تطبیق است. مفاد قرارداد نشان می‌دهد که آنها بدون این که از سیاست‌های بریتانیا آگاه باشند در مسیری بی بازگشت قرار گرفتند.

تاثیر قرارداد ترک‌مخاصمه بر تحولات جنبش جنگل

انگلیسی‌ها پس از تثبیت نسبی موقعیت نظامی و سیاسی خود در گیلان و سایر مناطق ایران با توجه به این که در آینده نزدیک خود را در تقابل با بلشویک‌ها می‌دیدند، به این نتیجه رسیدند تا با ایجاد دولتی قدرتمند در ایران از نفوذ شوروی در ایران جلوگیری کنند. در نتیجه با حمایت آنان و ثوق الدوله توانست دولت دوم خود را تشکیل دهد. و ثوق ابتدا به جهت سرکوب جنبش جنگل با اعزام نیروی نظامی به فرماندهی استاروسلسکی

اقدام کرد، سپس بستر لازم را جهت انعقاد قرارداد ۱۹۱۹ م. فراهم کرد (گیلک، ۱۳۷۱: ۱۹۱) انتشار مفاد قرارداد موجب شد تا جنگلی‌ها موضع تندی در برابر آن اتخاذ نمایند و از قرارداد ۱۹۱۹ تحت عنوان «سند فروش ایران» یاد کنندو به شدت با ادامه نخست‌وزیری وثوق الدوله مخالف کردند (فخرایی، همان: ۱۶۱ و ۱۶۹). و این بار جنگلی‌ها خود را نه تنها در برابر وثوق، بلکه انگلیسی‌ها می‌دیدند (آبراهامیان، ۱۳۸۹: ۱۴۱-۱۴۰). وثوق در مرحله نخست تلاش زیادی جهت تسلیم جنگلی‌ها انجام داد، لذا مذاکراتی که بین نمایندگان وثوق الدوله مبنی بر تسلیم نیروهای جنگل انجام گرفت، به نتیجه‌ای منتهی نشد. وثوق برای تطمیع کوچک‌خان به وی وعده حکومت گیلان داد. در حالی که کوچک‌خان، وثوق الدوله را عامل انگلیسی‌ها می‌دانست و بر این باور بود که تفویض حکومت گیلان به او گذرا خواهد بود و پس از چندی برکنار خواهد شد، بنابراین از قبول پیشنهاد وی سرباز زد (همان: ۱۷۱). وثوق الدوله از صلح با جنگلی‌ها مأیوس گشته تیمورتاش را به حکومت گیلان منصوب نمود (گیلک، همان: ۲۲۳) و برای سرکوب کردن نهضت جنگل با کمک مستقیم انگلیسی‌ها به اجرای نقشه‌ای که طرح شده بود، مبادرت ورزید. در نتیجه نیروهای دولتی طی اعلانی در تاریخ ۸ فروردین ۱۲۹۸ با نیروهای جنگل اتمام حجت نمودند (فخرایی ۱۳۵۷: ۱۶۸ - ۱۶۶) از میان رهبران جنگل تنها حاج احمد با توجه به تسلط دولت بر امور کشور، ماجرای جنگل را پایان یافته تلقی می‌کرد در ۷ اسفند ۱۲۹۷ خ. تسلیم شد. مذاکره نمایندگان بریتانیا با حاجی احمد کسمائی چند هفته پیش از صدور امان‌نامه از سوی وثوق الدوله بیانگر نقش مستقیم دولت انگلستان در این ماجرا بوده است. نیروهای جنگل که با تسلیم حاج احمد کسمائی در موقعیت نامساعدی قرار داشتند و از سوی نیروی نظامی بریتانیا و قزاق‌های ایرانی تحت تعقیب بودند، به منظور پیوستن به نیروهای دکتر حشمت از سفید رود عبور کرده به لاهیجان عقب نشینی کردند (گیلک ۱۳۷۱: ۱۹۹) اما فشار نیروهای قزاق و تعقیب هواپیماهای انگلیسی و تأکید عدم جنگ با نیروهای داخلی موجب عقب نشینی آنها به تنکابن شد (گیلک ۱۳۷۱: ۲۱۰ - ۲۰۱)

پس از حوادثی که منجر به جدایی حاج احمد و دکتر حشمت از جنبش شد، زمینه برای قدرت‌نمایی فرصت طلبان گشوده شد. کوچک‌پور در گوشه‌هایی از خاطرات خود به بخشی از دلایل ناخرسندی حاج احمد اشاره دارد و به صورت پوشیده می‌نویسد، در اواخر سال ۱۲۹۷ خ. گیلکان طرفدار حاج

احمد و عراقی‌ها غیر گیلکان. از کوچک‌خان جانبداری می‌کردند. این افراد کسانی بودند که به دنبال ماجراجویی و ایجاد جایگاهی برای خود آتش جنبش را بیشتر می‌افروختند (کوچک‌پور، ۱۳۶۹: ۱۶ و ۱۷). این شخصیت‌های فرصت‌طلب با طیف‌های گوناگون فکری و سیاسی موجب ایجاد تنش و تفرقه در جنبش شدند. شخصیت‌هایی نظیر؛ رضا افشار که نماینده جنگلی‌ها در قرارداد ترک مخاصمه با انگلیسی‌ها بود و در نهایت قرارداد را به نفع آنها تنظیم نمود و حتی بعدها مبالغ هنگفتی از اموال جنبش را غارت کرد (فخرایی، همان: ۲۴۱)، احسان اله خان، خالو قربان و دیگران موجب شدند تا کوچک‌خان کمتر به چهره‌های محافظه کار جنبش تکیه داشته باشد. سرانجام پس از ترک حاج احمد، دکتر حشمت نیز در ۱۷ اردیبهشت ۱۲۹۸ خ. ادامه جنبش را به زیان تمامیت‌ارضی و استقلال ایران دانست و خود به همراه ۲۷۰ جنگجو تسلیم قوای دولتی شدند (گیلک، همان: ۲۰۸-۲۱۲). در حالی که خالو قربان و احسان اله خان مایل به ادامه نبرد با نیروهای دولتی بودند. یکی از پیامدهای قرارداد جنگلی‌ها با نیروهای بریتانیایی، تاکید بر خروج نیروهای آلمانی و عثمانی و سایر ملیت‌ها از جنبش بود. در حالی که ساختار اصلی تشکیل دهنده جنبش جنگل با حمایت هیات اتحاد اسلام تشکیل شده بود (یقینیان، ۱۳۶۳: ۷۹). دلایل و شواهدی در دست نیست که نشان دهنده روابط هیات اتحاد اسلام گیلان با شعبه تهران و یا عثمانی باشد. با این حال این گروه از عثمانی و سیاست‌های‌شان در مقابله با روسیه و انگلستان حمایت می‌کردند. آلمانی‌ها و عثمانی‌ها تلاش می‌کردند از احساسات ضد خارجی ایرانیان برای مبارزه علیه روسیه استفاده کنند. احمدکسمایی در خاطرات خود از مشارکت سفرای آلمان و عثمانی در جلسات کمیته ملی گزارش می‌کند (کسمایی ۱۳۸۲: ۶۶) به گفته فخرایی نیروهای عثمانی مدت‌ها در جنگل بودند و در جنگ‌های جنگلی‌ها نیز فعالانه حضور داشتند اما با آتش بس بین نیروهای جنگل و انگلیسی‌ها در سال ۱۳۳۶ ق، نیروهای عثمانی از گیلان اخراج شدند (فخرایی، همان: ۹۱)

هرچند کوچک‌خان گامی در جهت حمایت از سیاست‌های عثمانی در ایران و گیلان برداشت، با این حال این رویکرد طرفداری جنبش از عثمانی از منظر حفظ تمامیت ارضی ایران همواره مورد نقد قرار گرفته است. کسروی با وجود این که در بیگانه‌ستیزی و گرایش‌های ضدانگلیسی کوچک‌خان تردیدی ندارد، توسل

و تکیه کوچک‌خان به بیگانه برای نبرد با بیگانه‌ای دیگر را روش درستی در مبارزات سیاسی نمی‌داند (کسروی، ۱۳۷۸: ۸۱۳)

درباره مساله خروج نیروهای عثمانی از گیلان علاوه بر تاکید و اصرار بریتانیا، عامل دیگری که موجب سرعت اخراج آنان از گیلان شد، هجوم عثمانی به آذربایجان بود (گرکه، ۱۳۷۷: ۴۲۶). این اقدام جنگلی‌ها هرچند با فشار انگلیسی‌ها صورت گرفت، اما با توجه گشودن آغوش آنان به روی بلشویک‌ها دروازه جدیدی بر روی بیگانگان گشوده شد. این بار مهمانان ناخواسته تأثیر بسیار مخرب بر ساختارهای جامعه ایران نهادند. متأسفانه نخستین میزبان این مهمانان ناخوانده جنگلی‌ها بودند. هرچند کوچک‌خان در اندکی پس از بدو ورود بلشویک‌ها و آشکارشدن اهداف و سیاست‌های آنان درباره گیلان و ایران خود را از ماجرا کنار کشید، اما بلشویک‌ها مدعی بودند که آمده‌اند تا بمانند. این نگرش در رفتار و اقدامات بلشویک‌ها طی دو سال پایانی عمر جنگل-۱۲۹۸ خ تا ۱۳۰۰ خ- که در گیلان حضور داشتند، کاملاً واضح بود (مرکز اسناد وزارت امور خارجه، ش سند، ۱۳۳۶/۶۶/۲۶/۴۸). البته بلشویک‌ها در آغار با طرح شعارهای پرطمطراق دوستی با ایرانیان، لغو قراردادهای استعماری روسیه تزاری و سایر وعده‌ها علاوه بر جنگلی‌ها، توانسته بودند سایر نیروهای سیاسی ضد انگلیسی را نیز جذب خود کنند (مرکز اسناد وزارت امور خارجه، ش سند، ۱۳۳۶/۶۶/۲۶/۴۶).

با ورود ارتش سرخ به انزلی در ۲۸ اردیبهشت ۱۲۹۹ که بدون اطلاع جنبش جنگل انجام گرفت، کوچک‌خان علیرغم مخالفت با ورود آنان، حاضر به دیدار سران ارتش سرخ شد. او در ابتدا از همکاری با ارتش سرخ دچار تردید فراوان بود، اما از طرف دیگر امیدوار بود که بتواند از اوضاع و شرایط جدید برای مبارزه با ارتش انگلیس در شمال ایران و قشون دولت مرکزی استفاده کند (گیلک ۱۳۷۱: ۲۷۲، یقیکیان ۱۳۶۳: ۳۵). البته پیش از ملاقات کوچک‌خان با بلشویک‌ها، نمایندگان انگلیس و حکومت ایران برای انجام مذاکرات و بررسی دلایل تهاجم روس‌ها در انزلی به مذاکره پرداختند (گیلک ۱۳۷۱: ۲۷۲) در حالی که هدف بلشویک‌ها ایجاد پیمانی مستحکم با جنگجویان جنگل بود که در جبهه مقابل انگلستان و قوای دولتی قرار داشتند. به این ترتیب جنگلی‌ها ناخواسته وارد جریانی شدند که در نتیجه فشارهای سیاسی و نظامی بریتانیا و دولت

مرکزی ایران برای آنها ایجاد شده بود. اتحاد جنگلی‌ها با بلشویک‌های کمونیست مسیر بی‌بازگشتی برای جنگلی‌ها رقم زد. هرچند اسناد و مدارک گواه بر این مسأله‌اند که کوچک‌خان برای همکاری با بلشویک‌ها تسلیم جناح رادیکال جنبش نظیر احسان الله خان، خالوقربان و دیگران شد. این گروه بعدها با برافراشتن پرچم جمهوری سوسیالیستی گیلان آغازگر جریان شومی در تاریخ معاصر شدند و با این اقدام خود، کوچک‌خان را نیز قربانی اهداف جاه‌طلبانه خود نمودند.

نتیجه

در پژوهش‌هایی که پیش از این درباره جنبش جنگل انجام گرفته است، اغلب پژوهشگران درباره دلایل و چرایی فروپاشی جنبش به مسأله نفوذ فرصت‌طلب‌ها و بلشویک‌ها و حتی رفتار دوگانه دولت شوروی تأکید دارند. در حالی که اسناد، مدارک و خاطرات برجای مانده از جنگلی‌ها بر این موضوع تأکید دارند که انگلستان نقش موثری در ضعف تشکیلاتی و نظامی جنبش طی سه سال پایانی آن داشته است. نیروی نظامی و دیپلماسی انگلستان از اواخر سال ۱۹۱۷ م. / ۱۲۹۷ خ. پس از سقوط حکومت تزاری روسیه، دیپلماسی فعالی در برابر جنگلی‌ها به منظور به بن‌بست کشاندن آنها در پیش گرفت. انگلیسی‌ها هم زمان از دو ابزار برای تحقق برنامه‌های خود سود جستند. آن‌ها نخست تلاش داشتند با ایجاد اتحاد بین خوانینی که جنبش جنگل در مناطق آنها فعال بود، آن‌ها را به مقاومت در برابر جنگلی‌ها وادارند. از سوی دیگر با ایجاد دولتی پوشالی در تهران و حمایت از آن، عرصه را بر جنگلی‌ها تنگ کنند. از سوی دیگر با ارسال نیروهای نظامی با وارد نمودن ضربه نظامی موجب فروپاشی جنبش شوند. حضور جنگلی‌ها در گیلان در تعارض با سیاست‌های استراتژیک انگلیسی‌ها در حوزه کاسپین و قفقاز بود. بریتانیایی‌ها هم زمان خواهان عدم سلطه و نفوذ بلشویک‌ها و عثمانی‌ها در این مناطق بودند. خروج نیروی تزاری از ایران و قفقاز موجب گسترش نفوذ عثمانی در این مناطق شد. در نتیجه منافع بریتانیا در خاورمیانه، ایران و قفقاز آسیب‌پذیر گشت. همچنین رویکرد ملی‌گرایی و ضدییگانه جنگلی‌ها تهدیدی برای منافع انگلستان در ایران بود. لذا انگلیسی‌ها پس از شکست مذاکره سیاسی با جنگلی‌ها با حمایت ارتش باقی‌مانده از روسیه تزاری نخست جنگلی‌ها را درهم

کوبیدند و پس از عبور از گیلان و با تصرف باکو به اهداف اولیه خود دست یافتند. زیرا با تصرف این شهر و مناطق نفت‌خیز آن مانع تصرف باکو توسط عثمانی شدند. انگلیسی‌ها همچنین در پی تداوم سیاست فشار بر جنبش از طریق ابزار دیپلماسی و فشار نظامی، آن‌ها را مجبور به پذیرش قرارداد ترک مخاصمه نمودند. این قرارداد با وجود این که دوره‌ای از آرامش برای جنگلی‌ها ایجاد کرد، اما با توجه به مفاد آن که کاملاً به نفع انگلیسی‌ها تنظیم شده بود، موجب شد تا انگلیسی‌ها سیاست تضعیف و نابودی جنبش جنگل را در پیش گیرند. آن‌ها برای اجرای این اهداف خود سیاست گام به گام را در برابر جنگلی‌ها آغاز کردند. نخست با حمایت و وثوق الدوله و تجهیز قوای قزاق جنگلی‌ها را درهم کوبیدند. لذا با توجه به این که در اواخر سال ۱۲۹۷ خ. نیروی خارجی در گیلان حضور نداشت، جنگلی‌ها می‌بایست تسلیم نیروهای دولتی می‌شدند، از این رو با این سیاست و وثوق الدوله توانست با توجه به تردید حاج احمدکسمایی از ادامه مبارزه، وی را مجبور به جدایی از کوچک‌خان کند و پس از آن نیز تسلیم دکتر حشمت ضربه‌ای جبران‌ناپذیر بر اقتدار جنبش وارد کرد. گام بعدی بریتانیا، امضای قرارداد ۱۹۱۹ م. بین دولت ایران و انگلستان بود، هرچند این قرارداد در نهایت به نتیجه نرسید، اما فشارهای توامان بریتانیا و وثوق الدوله بر جنبش جنگل موجب گرایش جنگلی‌ها به بلشویک‌ها شد. با وجود این که بلشویک‌ها مهمانانی ناخوانده بودند، اما اتحاد استراتژیک جنگلی‌ها با آنان در تناقض با حق حاکمیت ملی ایران و حتی مرامنامه جنگلی‌ها بود. این اتحاد نامیمون به بهای گرانی برای جنگلی‌ها و حتی تمامیت ارضی ایران تمام شد، زیرا بلشویک‌های ایرانی و ارتش سرخ اندکی پس از استقرار در رشت با کنارگذاشتن مرامنامه جنگلی‌ها که پیشتر در آن وفاداری خود را به قانون اساسی و مشروطیت اعلام کرده بودند، ضمن اعلام جمهوری سوسیالیستی، به مقابله با حکومت مرکزی پرداختند. آن‌ها با این اقدام در کودتایی حتی کوچک‌خان را از دایره قدرت به کناری نهادند و در نهایت علاوه بر فروپاشی جنبش، بستر مداخلات آینده ارتش سرخ را در دوره‌های بعد در ایران فراهم کردند. گرایش جنگلی‌ها به بلشویک‌ها نیز در نتیجه فشار مستقیم انگلیسی‌ها بر این جریان بوده است، زیرا جنگلی‌ها که از هر سو تحت سرکوب و تعقیب دولت مرکزی، نیروی قزاق و خوانین محلی بودند، در پی نجات خود از این فشارها، ورود بلشویک‌ها به گیلان را همچون فرشته نجاتی تلقی

کردند تا شاید بتوانند در نتیجه اتحاد با آنها، وثوق‌الدوله و انگلیسی‌ها از صحنه سیاسی ایران خارج کنند، اما کنار آمدن دولت شوروی با انگلیسی‌ها موجب قربانی شدن جنبش جنگل به نفع دولت مرکزی ایران و انگلیسی‌ها شد.

پی‌نوشت

۱. میرزا طاهر فقیه طبرسی مشهور به تنکابنی (۱۲۴۲-۱۳۲۰ خ)، از فیلسوفان مشهور عصر قاجار و از نمایندگان مهم دموکرات مجلس بود. وی با سید حسن مدرس و دیگر ملیون در تشکیل دولت موقت ملی نقش موثری داشت. از معروف‌ترین شاگردانش می‌توان به بدیع الزمان فروزانفر و محمدعلی فروغی نام برد (فقیه نصیری، ۱۳۸۳: ۳۰۷ و ۳۰۸).

۲. دیلمی به نقل از منابع آرشیوی آلمانی می‌نویسد؛ سیاست انضمام آذربایجان به «توران خیالی» که از سوی عثمانی‌ها در ایران دنبال می‌شد یکی از دلایل نزدیک شدن کوچک خان به انگلیسی‌ها و انعقاد قرارداد صلح با آنها بوده است. وی در ادامه می‌نویسد؛ بعدها ژنرال تامسون فرمانده انگلیسی طی نامه‌ای به کوچک خان از وی به جهت در پیش گرفتن سیاست ضد عثمانی تقدیر کرده است (دیلمی، ۲۰۱۹: ۴۱ و ۴۰). دیلمی در کتاب «سیمای پنهان پوولیست‌های رشت» تصویر دقیقی و تحلیلی ارزنده از مناسبات جنگلی‌ها در ارتباط با عثمانی ارائه داده است.

۳. براساس گزارش‌هایی که توسط کارگزاری انزلی به وزارت امور خارجه آمده است، نگرانی کارگزار وزارت خارجه در انزلی این گونه بیان شده است؛ «همه روزه قشون روس با کشتی به طرف روسیه حمل می‌شود مطابق راپورت نظمیه از ۲۰-۱۳ برج جاری تقریباً (۲۴۵۰) نفر سالدات و (۴۷۴۰) نفر قزاق و (۴۱۰) دستگاه عرابه و دوچرخه و (۴۶) دستگاه توپ و قریب (۴۰۰) جعبه فشنگ توپ و تفنگ و مقدار کلی اثاثیه و اسب و اسلحه حمل به روسیه گردیده است.» (نصیری مقدم، ۱۳۷۴: سند شماره ۱۵۱) ورود و خروج این جمعیت اختلالاتی را در سطح شهر به وجود آورده بود. به این ترتیب با تخلیه ارتش روسیه از سرزمین‌های اشغالی شمال ایران و از جمله گیلان و بازگشت آن‌ها به روسیه، تدریجاً انگلیسی‌ها تصمیم به پر کردن خلا قدرت روسیه در شمال ایران گرفتند (عظیمی، ۱۳۸۹: ۱۸).

۴. Jules Sempe

۵. درباره موضوع اخراج نیروهای آلمانی و عثمانی خاطرات احسان اله خان نشان می‌دهد که میرزا چندان تمایلی به اخراج آنها نداشت. «در حالی که احسان الله خان خواستار اخراج آنها از نهضت بود و در مقابل معتقد بود باید از انقلابیون جدید شوروی کمک گرفت» (متولی، ۱۳۸۶: ۱۷).

فهرست منابع و مطالعات

- آبراهامیان، یرواند (۱۳۸۹) *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه احمدگل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی، تهران، نشرنی.
- آوری، پیترو، (۱۳۷۳)، «تاریخ ایران معاصر از تاسیس تا انقراض سلسله قاجار»، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، تهران، عطایی.
- پناهی، عباس، (۱۳۹۶)، *مآخذشناسی تحلیلی جنبش جنگل*، رشت، انتشارات دانشگاه گیلان.
- -----، (۱۳۹۸)، *اسناد گیلان در دوره پهلوی اول*، رشت، انتشارات فرهنگ ایلیا.
- جنگلی، اسماعیل، (۱۳۵۷)، *قیام جنگل*، به کوشش اسماعیل رائین، تهران، جاویدان.
- دنسترویل، لیونل چارلز، (۱۳۵۷)، *امپریالیزم انگلیس در ایران و قفقاز*، ترجمه حسین انصاری، تهران، کتابخانه منوچهری.
- دولاندن، شارل، (۱۳۹۰)، *تاریخ جهانی*، ترجمه احمد بهمنش، تهران، دانشگاه تهران، ۲ ج.
- دولت آبادی، یحیی، (۱۳۷۱)، *حیات یحیی*، ج ۳ و ۴، تهران، انتشارات فردوسی و عطار.
- دیلمی، پژمان، (۱۳۷۴)، «*عوام گرایان رشت: پان اسلامیزم و نقش دول مرکزی*» مجموعه مقالات «ایران در جنگ جهانی اول ایران در جنگ جهانی اول، آوردگاه ابردولتها، به کوشش تورج اتابکی، ترجمه حسن افشار، تهران، نشر ماهی.
- دیلمی، پژمان (۲۰۱۹)، *سیمای پنهان پوپولیست‌های رشت*، برلین، نشر گردون.
- رایت، دنیس، (۱۳۸۲)، «*انگلیسیان در ایران*»، ترجمه غلامحسین صدری افشار، تهران، اختران.
- سپهر، مورخ الدوله، (۱۳۶۲)، *ایران در جنگ بزرگ*، تهران، ادیب.
- سفارت فرانسه در ایران.
- شاکری، خسرو، (۱۳۸۶)، *میلادزخم جنبش جنگل و جمهوری شوروی سوسیالیستی ایران*، مترجم شهریار خواجهیان، تهران، اختران.
- شعایان، مصطفی، (۱۳۴۹)، *شوروی و نهضت انقلابی جنگل*، تهران، ارژنگ.
- شمیم، علی اصغر، (۱۳۸۷)، *ایران در دوره سلطنت قاجار*، تهران، زریاب.
- صبوری دیلمی، محمد حسن، (۱۳۵۸)، *نگاهی از درون به انقلاب مسلحانه جنگل*، تهران، چاپ مظاهری.
- عاقلی، باقر، (۱۳۶۹) *روزشمار تاریخ ایران از مشروطه تا انقلاب*، تهران، گفتار.
- عظیمی، رقیه سادات (۱۳۷۷)، *نهضت جنگل به روایت اسناد وزارت امور خارجه ایران*، تهران، وزارت امور خارجه.

- عظیمی، ناصر، (۱۳۸۹)، «جغرافیای سیاسی جنبش و انقلاب جنگل»، مشهد، نشر نیکا.
- فخرایی، ابراهیم، (۱۳۵۷) سردار جنگل، تهران، جاویدان.
- فقیه نصیری، تهمورث، (۱۳۸۳)، کلاردشت، تهران، بنیاد فرهنگی البرز.
- کسمایی، احمد، (۱۳۸۲)، یادداشت‌های احمد کسمایی از نهضت جنگل، گردآوری و تصحیح منوچهر هدایتی خوشکلام، رشت، کتیبه گیل.
- کسروی، احمد، (۱۳۹۰) تاریخ هجده ساله آذربایجان، تهران، امیرکبیر.
- کشاورز، فتح‌الله، (۱۳۹۱)، نهضت جنگل و اتحاد اسلام (اسناد محرمانه و گزارش‌ها)، تهران، سازمان اسناد ملی و انجمن آثار و مفاخر فرهنگی کشور.
- کوچک‌پور، صادق، (۱۳۶۹)، نهضت جنگل (اوضاع فرهنگی و اجتماعی گیلان و قزوین، خاطرات افسر گارد جنگل)، به کوشش محمدتقی میرابوالقاسمی، رشت، گیلکان.
- گرکه، اولریخ، (۱۳۷۷)، پیش به سوی شرق: سیاست خارجی آلمان در جنگ جهانی اول، ترجمه پرویز صدری، تهران، نشر کتاب سیامک.
- مابری، جیمز، (۱۳۶۹) عملیات در ایران (جنگ جهانی اول ۱۹ - ۱۹۱۴)، ترجمه کاوه بیات، تهران، رسا.
- میرزا صالح، غلامحسین، (۱۳۶۹)، جنبش میرزا کوچک خان بنا بر گزارش‌های سفارت انگلستان، تهران، نشر تاریخ ایران و نشر تاریخ ایران.
- مدنی، سید جلال الدین، (۱۳۶۱)، تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- مدنی، میراحمد، (۱۳۷۷)، جنبش جنگل و میرزا کوچک خان (خاطرات میر احمد مدنی، عضو شورای اتحاد اسلام و مدیر روزنامه پرورش)، به کوشش سید محمد تقی میر ابوالقاسمی، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- مستوفی عبدالله، (۱۳۷۱) شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری قاجاریه، ج ۳، انتشارات زوار، تهران.
- مکی، حسین، (۱۳۵۷)، زندگانی سیاسی احمد شاه، تهران، امیرکبیر.
- ملک‌زاده، مهدی، (۱۳۷۸)، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، تهران، سخن.
- مهرداد، سیدجعفر، اصغرنا، محمدحسن، ضیائی، سیدعبدالحمید، (۱۳۸۵)، «درآمدی تحلیلی - تاریخی بر شخصیت، آرا و اندیشه‌های میرزا کوچک خان»، رشت، حرف نو.
- میرابوالقاسمی، محمد تقی، (۱۳۷۸) دکتر حشمت و اندیشه اتحاد اسلام در جنبش جنگل، تهران، ندا.
- نعمتی لیمائی، امیر، (۱۳۸۹) مجموعه روزنامه‌های جنگل (نشریه نهضت جنگل)، مشهد، امید مهر.

- نصیری مقدم، محمدنادر، (۱۳۷۴)، «گزیده اسناد دریای خزر و مناطق شمالی ایران در جنگ جهانی اول»، تهران، موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- یقیکیان گریگور (۱۳۶۳) شوروی و جنبش جنگل، به کوشش برزویه دهگان، تهران، نوین.
- هوشنگ مهدوی، عبدالرضا، (۱۳۸۸) روابط خارجی ایران از ابتدای دوران صفویه تا پایان جنگ جهانی دوم، تهران، امیر کبیر.

مقالات

- پناهی، عباس، روش و بینش تاریخ‌نگاری گریگور یقیکیان در کتاب شوروی و جنبش جنگل، فصلنامه علمی و پژوهشی تاریخ نگری و تاریخ نگاری دوره جدید پاییز و زمستان ۱۳۹۸ شماره ۲۴ (پیاپی ۱۰۹)، ۴۳-۶۴.
- پناهی، عباس و امیر مهرنیا، جنبش جنگل در پرتو کشمکش دولت‌های بزرگ، فصلنامه علمی و پژوهشی روابط بین الملل، دوره ۷، شماره پیاپی ۲۴، تابستان ۱۳۹۶، صص ۲۱۵-۲۳۶.
- زاهد زاهدانی، سید سعید، سید اسماعیل موسوی، تحلیل جامعه شناختی نهضت جنگل با تأکید بر ایدئولوژی آن، فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی سال بیست و ششم، شماره پیاپی ۱۰۶ (شماره چهارم، زمستان ۴).
- شیخ الاسلامی، جواد، ۱۳۶۵، «میرزا کوچک‌خان، رهبر نهضت جنگل»، تحقیقات اسلامی، شماره ۱ و ۲، صص ۱۱۵ تا ۱۴۹.
- غفاری هشتجین، زاهد، عباس کشاورز شکری و عباس نعیمی جورشری، بازشناسی سه جریان سیاسی جنبش جنگل و مواضع و دیدگاه‌های آنان، فصلنامه جستارهای تاریخی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال اول، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۸۹، صص ۳۱ - ۵.
- خلیجی، محسن و محمد رادمهر، تناقض ایدئولوژیک در جنبش جنگل، فصلنامه فرهنگ، شماره ۷۱؛ پاییز ۸۸؛ صص ۸۱ - ۵.
- متولی، عبدالله، خاطرات احسان الله خان دوستدار، فصلنامه مطالعات تاریخی، شماره ۱۳۸۶، ۱۶، صص ۱۱-۸۱.

پایان نامه

- قنبری، مهشید، (۱۳۹۶) نقش انگلستان در جنبش جنگل، به راهنمایی دکتر عباس پناهی، گروه ایران‌شناسی، دانشگاه گیلان.

اسناد:

مرکز اسناد دیپلماسی وزارت امور خارجه

سند، ۱۳۳۶/۶۶/۲۶/۴۸

سند ۱۳۳۶/۶۶/۲۶/۴۶

سند، ۱۳۳۶/۶۶/۲۶/۴۴

سند، ۱۳۳۶/۶۶/۲۶/۳۲